

**Journal iranian political sociology**

**Vol. 4, No.3, fall2022**

**<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.313151.2576>**

**Exercise of jurisdiction resulting from the delimitation of maritime boundaries in the light of the Aktau Convention**

**Abstract:**

The Caspian Sea, with its special geopolitical and geoeconomic position, has a special place and importance for the coastal states. It is also considered by regional powers in regional and global equations. The national interests and national security of the littoral states of the Caspian Sea require that peace and tranquility prevail in the region and that any action that leads to conflict between the littoral states be strictly self-controlled. In this regard, from the point of view of international law, these solutions can be presented. . Therefore, firstly: in this type of waters, there is no freedom of navigation. In the absence of a treaty, the rights of coastal States are in any case assumed to be equal. Third, the maritime resources and fisheries are limited to coastal States.

**Keywords:** Aktau Convention, Restrictions, Caspian Sea Limits, Limits of Jurisdiction

10.30510/PSI.2022.313151.2576

## اعمال صلاحیت ناشی از تحدید حدود دریایی در پرتوی کنوانسیون آکتائو

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۱

مینا قلیچ خان<sup>۱</sup>مسعود راعی دهقی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰

علیرضا آرش پور<sup>۳</sup>

## چکیده

دریای خزر با موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ویژه جایگاه و اهمیت خاصی برای کشورهای ساحلی دارد. منافع ملی و امنیت ملی کشورهای ساحلی دریای خزر باعث صلح و آرامش در منطقه می باشد و مانع بروز تنشج میان کشورهای ساحلی می شود. این پژوهش بدنبال پاسخ به این سوال است که اعمال صلاحیت ناشی از تحدید حدود دریایی دریای خزر در کنوانسیون آکتائو چگونه است؟ در پاسخ با روش تفسیری-کیفی و با روش مطالعه کتابخانه ای اینگونه پاسخ داده می شود که از نظر حقوق بین الملل، دریا و دریاچه هایی نظیر دریای مازندران که به دریای آزاد راه ندارند در حکم آب های داخلی هستند و از محدوده ی کنوانسیون حقوق دریایی سال ۱۹۸۲ خارج می باشند. بنابراین اولاً: در این نوع آب ها آزادی دریا نوردی وجود ندارد، ثانیاً: رژیم حقوقی کشتیرانی و تعیین مرزها تابع قراردادهای فی مابین و یا تصرف دولت های ساحلی از این دریاست. در صورت عدم وجود معاهده، به هر ترتیب فرض بر مساوی بودن حقوق دولت های ساحلی است، ثالثاً: منابع دریایی و ماهیگیری منحصر دولت های ساحلی است.

واژه های کلیدی: تحدید، حدود دریای خزر، حدود صلاحیت ها، کنوانسیون آکتائو.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه حقوق ، واحد نجف اباد، دانشگاه آزاد اسلامی ،نجف اباد، ایران

<sup>۲</sup> گروه حقوق ، واحد نجف اباد، دانشگاه آزاد اسلامی،نجف اباد ، ایران(نویسنده مسئول)

masoudrae@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانشیار گروه حقوق، دانشگاه اصفهان ،اصفهان ، ایران.

تحولات و چالشهای دریای خزر ریشه ای تاریخی و حقوقی دارد و به رغم تضييع حقوق ايران در اين دريا، موضوعی مختص اين کشور و شوروی بوده است. از زمان فروپاشی شوروی در طول ۲۶ سال گذشته که دریای خزر دارای ۵ کشور حاشیه ای شده است. یکی از این چالشهای بر سر منابع و حق استفاده از منابع دیای خزر است. هنوز اختلاف میان باکو- عشق آباد در مورد منابع نفتی زیربستر در دریای خزر که ترکمنستان آن را سردار و آذربایجان آنرا کپز نامیده است به قوت خود باقی است. ایران و آذربایجان نیز اختلاف خود را در رابطه با منابع ادعایی شان در زیربستر این دریا که ایران آن را البرز و امیرکبیر و آذربایجان آن را آراز، آلو و شرق نامیده اند به قوت خود باقی مانده است.

طرفهای ترکمنی، آذربایجانی و ایرانی بر عدم استخراج نفت تا زمان حل اختلافاتشان تاکید و توافق کرده اند. مزید بر اینها و به همین واسطه، تعیین و ترسیم خط میانی از سوی سه کشور برای مشخص کردن محدوده اختصاصی زیربستر صورت نگرفته است. بنابراین تکلیف زیربستر جنوبی خزر روشن نشده است. درحالی که سه کشور روسیه، قزاقستان و آذربایجان مدعی اند که تکلیف منابع زیربستر دریای خزر را براساس خط میانی قابل انعطاف روشن کرده اند. این درحالی است که در ابتدای فروپاشی شوروی، روسیه همگام با ایران بر ضرورت اتفاق و اجماع ۵ کشور ساحلی خزر در رابطه تعیین سهم زیربستر و رژیم حقوقی این دریا تاکید داشت، اما در کمتر از یکسال موضع خود را 180 درجه تغییر داد. روسیه در اوایل فروپاشی تا سال ۹۵ در اعتراض به اقدامات سه کشور دیگر خزری با ایران همراهی و همسویی می کرد. حتی دو کشور توانستند حدود بیست سند مشترک علیه انحراف از رژیم حقوقی دریای خزر که به ضرر ایران بود؛ به ثبت برسانند. از سال 1998 که مصادف با صدرات بوریس یلتسین در روسیه بود این کشور با انعقاد قرارداد تقسیم منابع تحت البستر خزر با قزاقستان در منطقه مورد ادعا، راه خود را از ایران جدا کرد. در نهایت اینکه، حدود ۱۳ درصد نیز زیربستر برای ایران باقی مانده است که دارای منابع فسیلی نبوده و اگر هم باشد در عمق زیادی واقع است که استخراج آن صرفه اقتصادی ندارد.

روسیه هم که با داشتن منابع عظیم نفتی و گازی در سرزمین پهناور این کشور، منابع خزری از اهمیتی برخوردار نبود، اقدام به تحرکی برای اکتشاف و استخراج نفت و گاز نکرد و با گرفتن سهام لازم برای شرکتهای روسی در کنسرسیومهای نفتی این دو کشور صحنه را به زیان ایران خالی کرد.

بدین ترتیب سه کشور مذکور اعلام کردند که مشکل تقسیم منابع در شمال دریای خزر براساس خط میانی موردنظر و بهره برداری مشترک از منابعی که روی خط میانی واقع شده اند، مرتفع شود. باید این مشکل در جنوب خزر توسط ایران، ترکمنستان و آذربایجان از طریق مذاکرات و توافقات دوجانبه با یکدیگر و در نهایت توافق سه جانبه حل و فصل شود تا در نهایت مشکل رژیم حقوقی دریای خزر و امضای کنوانسیون ۵ جانبه محقق شود. نکته مهمی که در رابطه با قرارداد تقسیم منابع فسیلی و هیدروکربنی زیربستر دریای خزر میان روسیه و قزاقستان باید بدان پرداخته شود این است که در قرارداد سال 1998 به تقسیم بستر دریا براساس خط میانی قابل انعطاف اشاره شده است، اما در قرارداد سال 2000 به تقسیم منابع زیر بستر اشاره شده است.

### ۱. مفهوم مدل های رژیم حقوقی دریای خزر

مذاکرات نزدیک به ۲۶ سال گذشته نشان می دهد که رهیافت های حقوقی متفاوتی برای رژیم حقوقی دریای خزر از سوی کشورهای ساحلی به رای گیری گذاشته شده اما به رغم عدم نیل به اتفاق آرای برخی از آنها عملیاتی شده و برخی دیگر نیز به سرانجامی نرسیده است. مدل هایی که تاکنون از سوی کشورهای ساحلی پیشنهاد شده است عبارتند از:

-مشاع کامل سطح، بستر و زیربستر

-تقسیم کامل سطح، بستر و زیربستر

-تقسیم بستر، زیربستر و مشاع سطح

-تقسیم زیر بستر و مشاع بستر (پس از اتمام بهره برداری از منابع زیربستر) و مشاع سطح

-تقسیم برابر منابع زیربستر و مشاع بستر و سطح

-تقسیم منابع زیربستر براساس خط میانی مدیفای شده (انعطاف پذیر) و استفاده مشترک از منابعی که خط میانی از روی معادن مشترک عبور می کند.

-مدلی که تاکنون از سوی سه کشور روسیه، قزاقستان و آذربایجان، براساس قراردادهای 1988 و 2000 اعمال شده و می شود و مشاع سطح و مشاع بستر و زیربستر پس از اتمام منابع انرژی

-تقسیم منابع زیربستر براساس خط میانی حاصله از اصل انصاف و در نظر گرفتن شکل محدب و مقعری سواحل دریای خزر و کشیدن خط میانی پس از تعیین محدوده آب های ساحلی و سرزمینی و دیگر مولفه هایی که پیشتر به آن پرداخته شد. در یک نگاه کلی و جمع بندی، تحلیل و پیشنهاد اقدامات عملی در بهره برداری از منابع زیربستر دریای خزر براساس

مدل ۱+۴ که با حمایت مسکو صورت گرفت به زیان ایران تمام شده است. تبعیت از اصل اتفاق آرا درخصوص حل و فصل مسائل دریای خزر که در سال ۱۹۹۲ مورد قبول پنج کشور بود، از سوی چهار کشور به رهبری روسیه مخدوش شده است.

هرگونه نتیجه بخش بودن کنوانسیون منوط به نشستهای بعدی سران کشورهای ساحلی خزر است و همچنین منوط به نتیجه بخش بودن نشست های کارشناسی است. تماس ها و مذاکرات در دولت اخیر ایران هرچند نشانگر رهایی از رکود در زمینه تامین حقوق ایران در دریای خزر و تحرکی نو در این زمینه محسوب می شود، اما در طول همین مدت در سطوح کارشناسی، معاونین وزرای خارجه، وزرای خارجه و سران راه به جایی نبرده است.

همانگونه که ملاحظه می شود اختلاف نظرها و تغییر مواضع و دیدگاه های کشورهای مختلف ساحلی در مقاطع زمانی متفاوت مشکل را مضاعف کرده و چشم انداز دستیابی به هر گونه توافقی در زمینه رژیم حقوقی دریای خزر را تاکنون غیرممکن کرده است.

البته با صعود چهار برابری توان رای روسیه و نزول قدرت تصمیم گیری ایران به یک چهارم، توازن برای رسیدن به یک تصمیم عادلانه و منصفانه در مورد رژیم حقوقی دریای خزر را با چالش جدی روبرو کرده است.

#### - مشاع سطح

-تقسیم زیربستر براساس ترسیم خط میانی منعطف برگرفته از مولفه های اصل انصاف که می تواند منجر به تملک مستقیم و مشترک (با آذربایجان و ترکمنستان) منابع زیربستر دریای خزر در محدوده ۱۷ درصدی شود.

-مشاع بستر و زیربستر پس از خاتمه بهره برداری از منابع هیدروکربنی زیربستر البته منظور از مشاع استفاده مساوی همه کشورها در محدوده فرا آب های ساحلی و فرا آب های سرزمینی با هماهنگی قبلی که در کنوانسیون حقوقی محدوده آن تعیین خواهد شد، است.

به عبارت دیگر، هیچ کشوری نباید مانع استفاده دیگری از سطح و بستر دریای خزر شود. همانگونه که اکنون در زمینه کشتیرانی، گاردهای ساحلی و عدم اجازه به حضور نیروهای نظامی خارج از منطقه (خزر) عمل می شود.

با توجه به امضای اسناد همکاری ها در زمینه های محیط زیست و امنیتی در صورت پایان دادن روسیه به زیاده خواهی هایش در خزر و تعیین نهایی رژیم حقوقی ضریب تبدیل دریای خزر به دریای صلح، دوستی و همکاری افزایش خواهد یافت.

اساس رژیم حقوقی مقرر در کنوانسیون آنتاگو تفکیک اعتباری سطح و ستون آب دریای خزر از بستر و زیر بستر آن و تقسیم سطح و ستون آب به مناطق دریایی مشخص است. خارج از آبهای سرزمینی و مناطق ماهیگیری «پهنه دریایی مشترک»<sup>5</sup> قرار دارد که هر پنج کشور ساحلی به طور برابر مجاز به استفاده از آن می باشند. اما بستر و زیر بستر دریای خزر وضعیت حقوقی جداگانه ای دارد. به دلالت بند 10 ماده 1 و ماده 8 کنوانسیون آنتاگو بستر و زیر بستر دریای خزر بین کشورهای ساحلی تقسیم خواهد شد، بدین سان که بعد از بستر و زیر بستر آبهای داخلی و سرزمینی، هر یک از کشورهای ساحلی دارای یک قسمت اختصاصی از بستر و زیر بستر تحت عنوان «بخش» خواهد بود که نسبت به منابع طبیعی آن حقوق حاکمه خواهد داشت. بخش های متعلق به کشورهای ساحلی سراسر بستر دریای خزر را شامل خواهد شد، چنانکه در قسمتی از دریا که خارج از آبهای داخلی و سرزمینی واقع می شود، سطح و ستون آب حسب مورد مشمول رژیم حقوقی منطقه ماهیگیری و پهنه مشترک دریایی خواهد بود.

در حال حاضر اصلاً ترتیبی در مورد نحوه تحدید حدود بستر و زیر بستر انجام نگرفته است و این بحث به مذاکرات دو جانبه با کشورهای مجاور و مقابل ایران موکول شده است. البته در این باره برخی کشورها به نتیجه رسیده اند ولی ایران هنوز این مساله را با همسایگان خود حل و فصل نکرده است. به نظر میرسد آنچه که در تحدید حدود بستر و زیر بستر خزر باید مورد توجه قرار گیرد منابع آن است نه سایر عوامل. ضمن آنکه ایران در بستر و زیر بستر دریای خزر حاکمیت ندارد اما از حقوق حاکمه برخوردار است؛ بدین ترتیب که ایران در بستر و زیر بستر دریای خزر صرفاً از حق استفاده و بهره برداری از منابع آن برخوردار می باشد. بنابراین قرار نیست چیزی به قلمرو تحت حاکمیت ایران اضافه گردد.

عدم پیش بینی منطقه انحصاری اقتصادی در این ماده از دو جهت تأمین کننده منافع ایران نیست:

۱) باعث می شود منابع اکوسیستمیک فراوان که در سمت ایران قرار دارد در حوزه مشترک قرار بگیرد و با توجه به عدم برابری در امکانات و لجستیکی فنی و دریایی، ایران قادر به رقابت با روسیه، آذربایجان، قزاقستان و حتی در آینده ترکمنستان نباشد.

نمی توان از خط واحد دو منظوره برای تحدید حدود بستر استفاده کرد؛ یعنی با یک خط واحد فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی را تعیین کرد و برای هر یک خط جداگانه رسم نگردد.

ماده 6 کنوانسیون، صلاحیت انحصاری حاکمیت بی حد و اندازه طرفین را به آبهای داخلی و منطقه ی آبهای سرزمینی و بستر و زیر بستر و فضای هوایی آن توسعه داده است لکن این مقرر بدون تبیین سازوکارهای صلاحیت قضایی طرفین در

مقام مقابله با تخلفات نسبت به انواع کشتی ها و اتباع هر یک از کشورها و یا اتباع سایر کشورها عملاً کاربرد موثری ندارد.

در ماده 7 کنوانسیون آکتائو، عرض دریای سرزمینی 15 مایل دریایی از خطوط مبدأ تعیین شده است. البته با توجه به ماده 1 کنوانسیون، تعیین خطوط مبدأ کشورهای ساحلی بر اساس ویژگی های خاص ساحلی هر کشور به مذاکرات آینده موکول گردیده است.

در ماده 7 کنوانسیون مزبور، رژیم حقوقی خاصی برای دریای سرزمینی پیش بینی نگردیده اما از آنجایی که این ماده الگو برداری شده از کنوانسیون 1982 حقوق دریاها است ( به غیر از عرض 15 مایلی دریای سرزمینی )، بنابراین همان رژیم حقوقی "عبور بی ضرر" مندرج در کنوانسیون 1982 که تبدیل به یک قاعده عرفی شده در اینجا نیز حاکم است.

نکته ی دیگر در ارتباط با ماده 7 این کنوانسیون، محدوده 15 مایلی است. این قلمرو 15 مایلی در مقایسه با عرض 12 مایل مقرر در کنوانسیون 1982 بیش از آنکه دارای منافعی برای طرف ایرانی باشد، منافع کشورهای را تضمین می کند که دارای سواحل مضرس و دنداندار می باشند. یعنی عدد 15 مایل در واقع علاوه بر آنکه عرض دریای سرزمینی را 3 مایل بیشتر از عرض معمول 12 مایل می کند، خط مبدأ دریای سرزمینی را 1 تا 2 کیلومتر به جلو منتقل می کند.

#### ۱/۲. چالشهای حقوقی کشتی رانی و تردد کشتی ها در کنوانسیون قزاقستان

هیچ کدام از دول دیگر ساحل کاسپین (به جز روسیه و ایران) دارای ناوگان تجاری یا نظامی خاصی در دریای خزر نیستند، این روش، پهنه دریای خزر را به صورت جولانگاه اختصاصی ناوگان نظامی روسیه (این ناوگان یکی از بخشهای مهم نیروی دریایی روسیه و مجهز به پیشرفته ترین ناوهای نظامی این کشور است) و نیز ناوگان تجاری و ماهیگیری روسیه (در مقایسه با ناوگان صنعتی پیشرفته روسیه در دریای خزر، دول دیگر حاشیه دریای خزر منجمله ایران هنوز از روشهای سنتی برای ماهیگیری با قایقهای کوچک استفاده می کنند) درمی آورد. در مقایسه با ناوگان عظیم دریایی روسیه در دریای خزر، کشورهای دیگر تنها دارای نیروهای کوچک به صورت گاردهای ساحلی ضعیف و بسیار محدودی در دریای خزر هستند.

نکته مهم دیگر هم این است که هر طرف می تواند در صورت ضرورت و با توجه به ایمنی دریانوردی از کشتی های تحت پرچم سایر طرف ها که از آب های سرزمینی آن دولت عبور می کنند بخواهد که از خطوط دریایی و طرح های تفکیک تردد که ممکن است برای تنظیم عبور کشتی ها از آب های سرزمینی خود تعیین کرده یا مقرر داشته است، استفاده کند.

در دومورد اجازه توقف کشتی رانی به کشورهایی که کشتی ها از آن بور می کنند داده شده

۱. کشتی هایی که از طریق دریا خزر عازم آبهای داخلی هستند(ماده ۱۲)

۲. کشتی هایی که موجب شوند امنیت دولت ساحلی به مخاطره افتد(ماده ۱۳)

۲-۳) چالشهای بهره برداری از سایر منابع(بستر و زیر بستر) در کنواسیون قزاقستان

منابع انرژی و تعیین حدود آبهای سرزمینی وضعیت پژوهی حقوقی - انرژی کنواسیون 2018 دریای خزر کنواسیون 2018 دریای خزر در ابعاد منابع انرژی و تعیین حدود آبهای سرزمینی از انتقادات متنوعی برخوردار بوده است. ابهام در سهم جمهوری اسلامی از سفره های منابع انرژی یکی از چالش های کنواسیون بوده است.

امضای کنواسیون 2018 دریای خزر در اکتائو قزاقستان مباحث حقوقی، انرژی و راهبردی را در پی داشته است. از جمله مباحث حقوقی کنواسیون می توان به عدم تعیین خط مبدا و سهم جمهوری اسلامی ایران از دریای خزر اشاره نمود. در بعد مسایل راهبردی تردد نیروهای آمریکایی از دریای خزر و عبور از قزاقستان به سمت افغانستان را می توان ذکر نمود. در بعد چالش های انرژی که یکی از مهمترین چالش های کنواسیون دریای خزر است دو چالش عدم تعیین سهم ایران از میداین انرژی مشترک و بر هم خوردن موازنه انتقال انرژی در دریای خزر قرار دارند. امضای کنواسیون 2018 دریای خزر توسط دولت دوازدهم مخالفت های بسیاری را دربر داشته است. مخالفان امضای کنواسیون عمدتا بر تایید ضمنی کنواسیون مبنی بر حق ۱۱ درصدی ایران و کاهش سهم جمهوری اسلامی ایران از ۵۰ درصد به حداکثر ۱۳ درصد تاکید کرده اند.

در کنار بعد چالش های حقوقی، نخبگان امنیتی و اقتصادی بر ابعاد چالش های راهبردی و انرژی برآمده از کنواسیون نیز نکاتی را مطرح کرده اند. در کنار منفعت سهم ۲۰ درصدی از دریای خزر کاهش حداکثری سهم جمهوری اسلامی ایران از آبهای داخلی و ابهام در بهره برداری از منابع انرژی مشترک با آذربایجان و ترکمنستان سبب شده است منافع راهبردی ایران به باور مخالفان کنواسیون کسب نشود. ارایه تصویری کلان و دقیق از ابعاد سه گانه چالش های پیش روی کنواسیون بر درک عمیق تر ماهیت چالش و در طراحی راهبردهای موثر جهت کاهش تبعات بلندمدت ابهامات موجود در کنواسیون کمک می کند. مساله پیش رو در نوشتار حاضر این است که چالش های مهم راهبردی، انرژی و حقوقی کنواسیون 2018 دریای خزر کدام است و راهبردهای مناسب برای مقابله با چالش های پیش رو چیست؟

۱،۳ وضعیت فعلی احداث خطوط لوله گاز در خزر



امضای کنوانسیون حقوقی دریای خزر نمی‌تواند یک رشته امور اقتصادی و سیاسی مربوط با ساخت خط لوله گاز را رفع کند. مهم‌ترین آنها عبارت است از: کنوانسیون تانکون از طرف ایران و روسیه تصویب نشده است. مضاف بر این، کشورهای ساحلی خزر تاکنون در مورد تقسیم نهایی پهنه و بستر دریا به توافق نرسیده‌اند. لازم به ذکر است ایران به تعیین سهمیه آن در خزر (۱۱٪ به علاوه ۳٪ حوزه صید ماهی) اعتراض کرده است. تهران قصد دارد در مذاکرات آینده درخواست نماید ۲۰ درصد دریا به آن تعلق گیرد. مسئله تحدید حدود بستر باید بر اساس مذاکرات دو جانبه حل و فصل شود، ولی کنوانسیون مکانیزم مشخصی برای این امر منظور نکرده است. (<https://csr.ir/0000D>)

مسئله سوم با این امر ارتباط مستقیم دارد که کشورهای ساحلی خزر در بخش کشیدن خطوط لوله بزرگ محدودیت دارند. مسئله نه تنها باید با کشورهای مخالف با پروژه از نقطه نظر اکولوژیک حل و فصل شود، بلکه همچنین می‌بایست هماهنگی پروژه با مقررات محیط زیست بین‌المللی اثبات گردد. خط لوله گاز خزر در نظر است به بخشی از کریدور جنوبی انتقال گاز تبدیل شود که برای انتقال گاز به اروپا، در وهله اول از جمهوری آذربایجان، آغاز می‌گردد.

## ۲. چشم‌اندازها

امکانات و ریسک‌های اصلی کشورهای امضا کننده کنوانسیون و شرکای خارجی آنها در بخش احداث خطوط لوله گاز خزر به شرح زیر است: سالانه ۱۶ میلیارد مترمکعب گاز می‌تواند از طریق کریدور جنوبی انتقال گاز به اروپا منتقل شود. این امر فعلاً منافع روسیه را تهدید نمی‌کند. ولی در آینده، در صورت پیوستن دیگران، امکان بروز رقابت جدی با گاز روسیه (به پاس امکانات ترکمنستان، قزاقستان و در بلندمدت ایران) فراهم می‌شود. اما در صورت پیوستن عراق، اسرائیل و قبرس به مسیر، ظرفیت آن تا ۶۰ میلیارد مترمکعب و در بهترین حالت تا ۹۰ میلیارد مترمکعب، یعنی ۱۰ تا ۲۰ درصد گاز مصرفی اتحادیه اروپا، رشد خواهد کرد.

امضای کنوانسیون از نقطه نظر فرضی ساخت خط لوله گاز خزر را میسر می‌نماید. با توجه به احتمال بالقوه رشد ظرفیت کریدور جنوبی انتقال گاز، به نفع روسیه خواهد بود از طریق ترکیه به خط لوله TAP بپیوندند. این امر با مقررات بسته سوم انرژی اتحادیه اروپا هماهنگی دارد. روسیه همچنین می‌تواند از مفاد کنوانسیون در مورد دفاع از محیط زیست منطقه مجاور خزر به عنوان ابزاری برای مسدود کردن اتخاذ تصمیم در مورد ساخت خط لوله گاز جدید استفاده کند.

(<https://csr.ir/0000D>)

ایران در امور اکولوژی موضع مشابه داشته و با ضایع شدن حق خود برای دسترسی به منابع خزر موافق نیست. مسائل مربوط به تقسیم بستر تاکنون بین ایران و جمهوری آذربایجان حل و فصل نشده است. ولی تهران می‌تواند از امضای کنوانسیون امتیازهایی کسب کند. اولاً، به پاس مفاد کنوانسیون در مورد ممنوعیت حضور نیروهای مسلح کشورهای ثالث در خزر، تهران پشت جبهه خود را برای مورد درگیری نظامی با ایالات متحده امن کرده است. ثانیاً طرفین متعهد شده‌اند همه مسائل را از راه مسالمت آمیز حل کرده و خاک خود را برای تجاوز به همسایگان واگذار نکنند. ثالثاً مکانیزم مشخص تقسیم بستر در کنوانسیون موجود نیست و در نتیجه کشورها خودشان تصمیم خواهند گرفت بر اساس کدام اصول بستر را تقسیم کنند. رابعاً، ایران با امضای کنوانسیون نشان داد متوجه همکاری سازنده با همسایگانش است (ثامن، ۱۳۸۹، ۴۷).

سناریوهای دسترسی مستقیم ایران به بازار اروپا در هر حال به نحوی منافع روسیه را تحت الشعاع قرار می‌دهد. میت وان حدس زد که مسکو در این صورت برای لابی کردن منافع خود، به منظور جلوگیری از همکاری ایران با اتحادیه اروپا، و همچنین اثر گذاشتن بر موضع تهران در بخش ساخت خط لوله گاز خزر، اقدام می‌کند.

ایران و روسیه در موارد بسیار همکاری کرده‌اند. یکی از نمونه‌های آن ساخت خط لوله گاز ایران - پاکستان - هند است. ترکمنستان هم ضرورت مذاکره با ایران را قبول می‌کند. ولی برای اتحاد موفق در چارچوب کنوانسیون، ابتدا باید اختلافات داخلی طرفین حل و فصل شود که اختلاف ایران و ترکمنستان در مورد بدهی گازی ایران (از دیدگاه عشق آباد) مهم‌ترین آنها است. روسیه هم در بخش گاز با ترکمنستان اختلاف داشت، ولی پس از امضای کنوانسیون طرفین به توافق رسیدند و ترانزیت گاز ترکمنستان از روسیه در آوریل ۲۰۱۹ از سر گرفته شد. در شرایط اوضاع ژئوپلیتیک جاری این روال در منطقه مجاور خزر برای روسیه مقبول است. این امر و افزایش صادرات گاز به چین می‌تواند توجه ترکمنستان از خط لوله گاز خزر را منحرف کند.

ساخت این خط لوله گاز با منافع چین مغایرت دارد که در دوران "انجماد" روابط عشق آباد با ایران و روسیه به تنها خریدار گاز ترکمنستان تبدیل شده بود. اما در صورت ساخت خط لوله گاز خزر، چین با رقابت با اروپا در بخش قیمت مواجه می‌شود. در عین حال، چین به خرید گاز ترکمنستان برای اراضی شرقی و شمال شرقی خود علاقه‌مند نیست. در این شرایط ترکمنستان یا باید راهبرد متنوع ساختن بازارها یا راهبرد حفظ موقعیت خود در بازار چین را پیشه کند. (جعفری،

جمهوری آذربایجان هم به اروپا توجه دارد. در سال 2018 تحویل گاز به ترکیه آغاز شد و در سال 2020 گاز آن روانه اروپا می‌شود. برای ادامه تحقق کریدور جنوبی انتقال گاز باید اختلافات جمهوری آذربایجان و ترکمنستان بر سر میادین گاز خزر حل و فصل شود. جمهوری آذربایجان همچنین می‌تواند در ساخت خط لوله گاز خزر به عنوان کشور ترانزیت شرکت کند. این در صورتی رخ می‌دهد که ذخایر گاز خود آذربایجان رو به اتمام باشد. امری که به این زودی مطرح نیست. موافقتنامه حقوقی دریای خزر دارای منفعت متقابل دیگری نیز هست چرا که بر اوضاع پیرامون خط لوله گاز خزر اثر می‌گذارد. بین آنها می‌شود از توافق گازپروم روسیه با شرکت نفت SOCAR جمهوری آذربایجان در مورد تحویل گاز روسیه به آذربایجان یاد کرد. باکو آماده است حجم خرید گاز را تا ۳ میلیارد متر مکعب در سال افزایش دهد. صاحب‌نظران می‌گویند این امر یک نوع جبران عدم شرکت روسیه در کریدور جنوبی انتقال گاز و همچنین حمایت آن از ساخت خط لوله گاز خزر، است.

اما تنها انگیزه اتحادیه اروپا کاهش وابستگی به گاز روسیه است که سهم گاز پروم در آن به ۳۵٪ نزدیک شده است. در سال 2018 روسیه با صدور 200 میلیارد مترمکعب گاز به اروپا رکورد شکست. در شرایط سرعت جاری رشد مصرف گاز طبیعی در اروپا، پروژه خط لوله گاز خزر موجه بنظر می‌رسد، ولی این پروژه ریسک‌هایی برای دیگر کشورها دارد. از جمله ترکمنستان در صورت پیوستن به کریدور جنوبی انتقال گاز، با روسیه وارد رقابت می‌شود.

ضمناً اعمال فشار اتحادیه اروپا بر کشورهای ساحلی خزر در رابطه با ساخت خط لوله گاز خزر منتفی نیست. از جمله در برخی رسانه‌های اروپای غربی از این حرف زده می‌شود که بظاهر مسکو و بروکسل وارد چانه زنی در این مورد شده‌اند: اتحادیه اروپا به روسیه اجازه ساخت "جریان شمالی ۲" را داد تا مسکو با ساخت خط لوله گاز خزر مخالفت نکند. چنین معامله‌ای می‌تواند بر روابط روسیه با جمهوری آذربایجان و ترکمنستان اثر منفی بگذارد، که به شدت یافتن علاقه‌مندی آنها به خط لوله گاز خزر منتهی می‌شود. (ca.ipisjournals.ir/article\_10589)

در حال حاضر جمهوری آذربایجان از حمایت آمریکا بهره‌مند شده است. ترکمنستان هم امکان تبدیل ایالات متحده به شریک اقتصادی خود را بررسی می‌کند. هرچند مذاکرات شرکت‌های آمریکایی با آن در سال 2012 متوقف شد. همچنین پروژه مورد حمایت آمریکا به نام "تاپی" از ترکمنستان تا هند فراموش نشود که متوجه ایجاد راهروی حمل و نقلی خارج از روسیه و جلوگیری از تبدیل شدن ایران به رقیب ترکمنستان در بخش گاز می‌باشد. در هر حال، دستکاری‌های واشنگتن می‌تواند بر روابط عشق آباد با مسکو و تهران اثر بگذارد. همزمان، پس از انتخاب شدن دونالد ترامپ، فشار ایالات متحده

بر ترکمنستان شدت یافته است. می‌شود پیش بینی کرد که همراه با شدت یافتن فعالیت آمریکا برای کشیدن ترکمنستان به خط لوله گاز خزر و پروژه‌های مرتبط، فشار غرب بر کشور در بخش "دموکراسی" و "رعایت حقوق بشر" شدیدتر می‌شود. واشنگتن سیاست "چوب و هویج" را نسبت به اتحادیه اروپا هم بکار می‌گیرد. ایالات متحده، در صورت ادامه سیاست ضد روسیه آن، از تحویل گاز از کشورهای آسیای مرکزی و جنوب قفقاز به اروپا حمایت می‌کند. در این مسیر واشنگتن حتی روی این چشم بسته که ۱۰ درصد سهام "شاه دنیز" جمهوری آذربایجان به یک شرکت ایرانی تعلق دارد. آمریکا برای کند کردن پیشرفت "جریان شمالی ۲" آماده هر کار است زیرا خطوط لوله روسیه در مجموع می‌توانند تا ۶۰ درصد نیاز اروپا به گاز را رفع کنند و ضمناً گاز روسیه ۴۰٪ ارزانتر از LNG تولیدی آمریکا است.

امضای کنوانسیون رژیم حقوقی خزر بالاترین یک واقعیت مثبت بود. روند آتی اوضاع به رعایت بالفعل تعهدات کشورهای امضا کننده بستگی دارد. امروز رعایت موازین اکولوژیک از طرف همه آنها وارد اولویت اول شده است. در شرایط جاری، تحقق پروژه خط لوله گاز خزر می‌تواند سال‌های بسیار به درازا بکشد. پروژه‌ای که بیشتر ماهیت سیاسی دارد تا اقتصادی. خط لوله گاز خزر برای ترکمنستان فقط یکی از راه‌های احتمالی متنوع ساختن صادرات است، و عشق آباد از افتادن به آغوش آمریکا و اتحادیه اروپا بیم دارد. ایران و روسیه از احتمال فاجعه اکولوژیک نگران هستند. جمهوری آذربایجان به این پروژه علاقه چندانی ندارد، زیرا با گاز تولیدی خود وارد رقابت می‌شود. علاقه اتحادیه اروپا به پروژه با کاهش بستگی به گاز روسیه ارتباط دارد. اما واشنگتن از یک طرف مایل به نزدیکی سیاسی با کشورهای منطقه بوده و از طرف دیگر، با توجه به سیاست ترامپ در حوزه انرژی، ساخت خط لوله گاز خزر از نقطه نظر اقتصادی برای آمریکا مناسب نیست. به این ترتیب آینده این پروژه مه آلود می‌باشد.

### نتیجه گیری

ایران آخرین بار براساس رویه مطرح در حقوق بین المللی دریاها، به ویژه با استناد به بخشی از آرای دیوان بین المللی دادگستری چند اصل را مطرح کرد. اولین مورد اصل بحث تقسیم منصفانه را مطرح کرده است. اولین تحرک جدی در زمینه حل و فصل مسائل دریای خزر در (مهرماه ۱۳۷۱) سپتامبر (۱۹۹۲) صورت گرفت. به ابتکار ایران، اجلاس وزرای محیط زیست کشورهای ساحلی در تهران تشکیل و منجر به تاسیس هفت کمیته تخصصی در زمینه‌های رژیم حقوقی، محیط زیست، کشتیرانی، ماهیگیری، منابع فسیلی شد. در این نشست همچنین توافق شد تا به اتفاق همه کشورهای ساحلی، سازمان همکاریهای اقتصادی دریای خزر تشکیل شود و با رویکرد مشاع کامل دریا، بهره برداری از منابع زیربستر نیز با

تشکیل کنسرسیومی بصورت مشترک انجام پذیرد. البته متعاقباً کشورهای ساحلی با استناد به بهانه هایی از اجرای تعهدات تهران سرباز زدند؛ آنها تشکیل سازمان همکاری های اقتصادی را به تعیین رژیم حقوقی این دریا که تاکنون به سرانجامی نرسیده پیوند زدند. سپس با اقدامات یک، دو و سه جانبه و بدون توجه به اتفاق آراء اقدام به بهره برداری از منابع زیربستر کردند.

- آقای، بهمن، (۱۳۸۵)، حقوق دریاها، فصلنامه حقوق بین الملل تهران، سال چهارم، دوره ۶، ۵۷-۶۰-۴۰
- جعفری ملکی، وزارت امور خارجه، (۱۳۹۹) «پاسخ به برخی پرسش‌ها درباره رژیم حقوقی دریای خزر».
- دیپلماسی عمومی انتشارات وزارت امور خارجه
- ۳. هر میداس باوند داوود، (۱۳۹۹) «ارجاع پرونده «خزر» به دیوان بین‌المللی داوری»، روزنامه‌ی شرق، ۷ مرداد

(ب) منابع انگلیسی

- Antonio Cassese, , 2005 International Law, Second Edition, New York:  
Oxford University Press
- Ahmadipour, Zahra (March 2000) "Geopolitics of Iran after the Cold War", Journal of Geographical
- Deventer, Kluwer Law and Taxation Publishers, 1982, 261-262 pp. Alfred
- Ronán Long, 1982 Marine Science Capacity Boulding and Technology Transfer: Rights and Duties Go Hand in Hand Under the UNCLOS.
- Thomas T. Koh, A Constitution for the Oceans, (۲۰۰۳) Remarks made by the President of the Third United Nations Confererence on the Law of the

وب سایتها

- <https://www.aa.com.tr/fa/> - ایران / روسیه - با - ایران - در خصوص - دریای - خزر - بازی - دو گانه -  
کرده - است / ۱۲۲۹۷۴۹
- <http://www.answers.com/topic/unitednations-convention-on-the-law-of-the-sea>, accessed February 06, 2009.
- <http://www.baeghtesad.com/> - بخش - بین - الملل - ۱۳ / ۲۲۰۸۴ - متن - سند - کنواسیون - رژیم -  
حقوقی - دریای - خزر - منتشر - ش
- <https://www.farsnews.com/news/13970521000841/%D9%85%D8%AA%D9%86-%D>
- <https://www.khabaronline.ir/news/107213/>
- [https://www.imemo.ru/jour/meimo/index.php?page\\_id=685&id=9251&jid=9238&jj=49](https://www.imemo.ru/jour/meimo/index.php?page_id=685&id=9251&jid=9238&jj=49)

- \_ . <http://www.magiran.ir> 2124, 1393/7/5
- \_ <http://www.sedayemoallem.ir/يادداشت/item/13345>-- بررسی رژیم حقوقی
- \_ [//ca.ipisjournals.ir/article\\_10589\\_4a1513f6ac57bc61cc9b7149aa7206be.pdf](http://ca.ipisjournals.ir/article_10589_4a1513f6ac57bc61cc9b7149aa7206be.pdf)
- \_ Iqbal Ashtiani, (1999), Abbas and Aghai, Bagher, "Th
- \_ [//www.britannica.com/EBchecked/topic/530433/Law-of-the-Sea](http://www.britannica.com/EBchecked/topic/530433/Law-of-the-Sea)>;.